



مقام معظم رهبری:

معامله قرن محکوم به شکست است

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به زائران بیت‌الله‌الحرام، برانست از مستکبران و در رأس آن آمریکا را به معنی برانست از مظلوم‌کشی و جنگ‌افروزی، محکوم‌کردن کانون‌های تروریسم از قبیل داعش...

صفحه ۲

یکشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۸ - ۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ - ۱۱ آگوست ۲۰۱۹



حقوق مجلسیان روی سامانه سازمان اداری و استخدامی

واکنش مجلس به یک گزارش

صفحه ۵



صفحه ۶

مصباحی‌مقدم: معنی ندارد از دیگران خواهش کنیم ما را ببندند

جامعه روحانیت درگیر یک تناقض نقشی

صفحه ۲

علی لاریجانی: هنوز درباره حضور در انتخابات تصمیم نگرفته‌ام

انفعال انتخاباتی جناح‌های سیاسی

صفحه ۲

عباسعلی کدخدایی:

طبق قانون، دلیل رد صلاحیت به خود فرد گفته می‌شود

گروه سیاست: نشست خبری عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، با اصحاب رسانه هم‌زمان با رونمایی از پوستر همایش ۴۰ ساله قانون اساسی برگزار شد. عباسعلی کدخدایی در ابتدای نشست خبری خود با خبرنگاران ضمن تبریک...

صفحه ۳

سال شانزدهم - شماره ۳۴۹۸ - ۱۶ صفحه - ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

سرمایه مدنی قوه قضائیه فسادزدایی از وفاداری سیاسی

کیومرث اشترینان - استاد دانشگاه تهران



ثبات سیاسی و حفظ نظام در حکومت‌هایی مانند جمهوری اسلامی که در معرض حمله‌های گوناگون خارجی هستند، به مسئله‌ای حیاتی تبدیل می‌شود؛ اما اهمیت ثبات حکومت، آسیب‌هایی هم دارد که مهم‌ترین آنها این است که برخی پشت نقاب وفاداری سیاسی به «نظام سیاسی و هسته‌های اصلی قدرت»، خود را مجاز به هرگونه اقدام افراطی بدانند. در چنین فضایی، رویه چنین می‌شود که مثلاً سخت‌گیری غیرقانونی از سوی آنها نسبت به منتقدان و روشنفکران اعمال می‌شود؛ تا جایی که حتی می‌تواند به پرونده‌سازی حقوق‌بشری علیه جمهوری اسلامی و بدبینی جوانان به حکومت بینجامد. «برای صیانت از نظام، با شدیدترین وجه با... برخورد می‌کنم» به اصلی‌ترین مستمسکی تبدیل می‌شود تا خود را در اصطلاح «آویزان» حکومت کنند. در چنین حالتی، هویت این افراد با هویت نظام یکی تلقی شده و در درازمدت، حکومت از برخورد با فسادهای اینها ناتوان می‌شود و چنین است که فساد می‌تواند تا بن دندان سیستم نفوذ کند. به‌تدریج این افراد دارای چنان حصن حصینی می‌شوند که خود را از هرگونه پاسخ‌گویی و حساسیتی فارغ می‌دانند. حکومت به ملک طلق خاص تبدیل می‌شود و کشور را از آن خود می‌پندارند. در پی این اقدامات و موضع‌گیری‌های به‌ظاهر انقلابی و شدید، فساد مالی و اداری جریان می‌یابد.

این وضعیت، مبتنی بر نظریه‌ای ضمنی است که می‌توان آن را «فساد در ذیل وفاداری سیاسی» نامید. تجرید نظری به ما کمک می‌کند درک ریشه‌ای‌تر و عمیق‌تری از مبارزه با فساد داشته باشیم و نظریه ثبات در جمهوری اسلامی را از این پدیده پالایش کنیم. اصلاحاتی که رئیس قوه قضائیه آغاز کرده است، می‌تواند مبتنی بر درک نظری از ویژگی‌های نظام سیاسی باشد و به این امر تصریح کند که فساد مالی را ذیل وفاداری سیاسی نمی‌پذیرد. این درک نظری مبتنی بر این فرض است که فساد ذاتاً سیاسی است.

اگر سابقه برخوردهای «قضائی» در جمهوری اسلامی با این رویکرد بررسی و شواهد آن در ۴۰ سال جمع‌آوری شود، مشاهده می‌شود آیا نظریه ضمنی «فساد در ذیل وفاداری سیاسی» جریان داشته است یا خیر؟ همچنین این شواهد نشان می‌دهد سهم این نظریه ضمنی در پرونده‌سازی حقوق‌بشری علیه جمهوری اسلامی چقدر بوده است؟ در صورتی که شواهد، مکرر و متعدد باشد، آن زمان است که می‌توان در سیاست‌گذاری قضائی، تجدیدنظری اصولی روا داشت. پیش از این، در نوشته‌ای دیگر به ضرورت مبانی نظری برای سیاست‌گذاری قضائی اشاره کرده بودم؛ این یکی از ابعاد آن است. مطالعه دقیق‌تر آن است که پایگاه، خاستگاه و احیاناً طبقه اجتماعی و فکری قضات بررسی شود؛ سهم قضات شهری و روستایی، پیشینه تحصیلی آنان، میزان تأثیرپذیری آنها از نیروهای مختلف و... در این صورت، مشخص می‌شود مثلاً حکم قاضی درباره موتورسواری زنان، ناشی از زندگی مدنی اوست یا «زندگی فقهی» وی؟ یا حکم قاضی درباره یک خبرنگار، ناشی از «زندگی سیاسی» اوست یا درک او از وضعیت جمهوری اسلامی در افکار عمومی؟ به‌این‌ترتیب، محتمل می‌توان به این نتیجه رسید که قوه قضائیه در سال‌های دور و نزدیک دچار چه نوع دگردیسی از حیث منابع انسانی شده است؟ همین امر درباره مقامات قوه مجریه و مقننه نیز صادق است. درباره قوه مقننه، برای مثال، پرسش اساسی این است که نوع انتخابات مجلس به‌تدریج چه فشار اجتماعی را بر قوه مقننه حاکم می‌کند، چه طبقه اجتماعی جدیدی می‌آفرند و نقش آن در کاهش یا افزایش فساد چیست؟ برخورد با فساد باید بر چنین تحلیل‌های نظری استوار باشد تا بتوان به ریشه‌ها پرداخت....

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

اودر شب مشعرالحرام از میان مارت در غروب شمس‌الدین



احمد میدری

و وسیع، موفق شدیم در مجلس ششم سیاست جدیدی مصوب کنیم که سفره رانت‌خواری برخی از گروه‌ها جمع شد. بر پایه این سیاست جدید، واردات جای آزاد شد و حمایت از کشاورزان ادامه می‌یافت؛ اما دیگر دولت جای خشک را از کارخانه‌های چای نمی‌خرد. هنگام بررسی بودجه، در یک روز پنج پیشنهاد او به تصویب اکثریت مجلس رسید. مرحوم محمد رشیدیان پیش ما آمد و گفت من به یاد ندارم نماینده‌ای این‌قدر پیشنهاد بدهد و همه آنها را بیاورد. اعتماد این‌چنینی به او، محصول صداقت بی‌مثالش بود. هیچ‌کس نمی‌توانست در صداقت و سخت‌کوشی همه‌جانبه او شکی به خود راه دهد. هرگاه سخن می‌گفت، مخاطب باور داشت از سر ایمان و صداقت سخن می‌گوید و تا عمیق مسئله را نیافته است، راه‌حلی نمی‌دهد. می‌توانم درباره تجربه سایر کارهای مشترکی که داشتیم، بیشتر بنویسم؛ اما دیدم آنچه در بالا نوشتم و آنچه می‌توانم درباره سایر کارهای شمس بنویسم، خواننده را از واقعیت دور می‌کند. برخی از آدم‌ها را نمی‌توان توصیف کرد؛ مثل یک احساس هستند، باید آنها را درک کنی، با تجربه‌کردن شناخته می‌شوند. بعضی‌ها گرمای وجودشان را فقط باید حس کرد. نمی‌توانید با خواندن و نوشتن آنها را درک کنید، مانند کاری که شمس تبریزی با مولانا کرد؛ اینها از جنس نورند. باید با شمس وهابی زندگی می‌کردی تا عمق معنای «چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزم» را بفهمید.

برای کاری دوستان پیشنهاد دادند شمس هیچ‌یک را نپسندید و گفت در دوستی کم نگذاردی، رفاقت مثل لوطی‌گری است، خرج دارد. در دوست و رفیق داشتن کم از احمد بورقانی نداشت؛ اما از همه دوستانش، ایمانش و وفاداری به مردم به او نزدیک‌تر بودند و در دوستی با این دو، هیچ کم نگذاشت؛ هرچه داشت، عرضه کرد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

در سوگ شمس‌الدین وهابی شمسی که می‌شناسیم



نسیم چالاک

و اصال‌ت دارد، منفعت‌طلبی را به رسمیت نمی‌شناسد و اخلاق‌مدار صلح‌طلب است. غیر از این نیست که در زمانه ما، همه اینها به‌یک‌باره در فرد، حزب و جناحی موجود نیست. بیهوده نیست که بسیاری او را «الگو» نامیده‌اند و رنج رفتنش را اندوهی بزرگ شمرده‌اند. شمس‌ی که می‌شناسیم حاشیه نداشت، بی‌تاب شهرت نبود و جدیتش در کار حزبی و مراقبتش از تشکیلات، بر آرام و قرارش افزوده بود. برای او مطلوب، اخلاق بود و در سیاق سیاست‌ورزی، عالم بی‌عمل نبود. ثروت، قدرت و شهرتش هرگز موجب حیرت دیگران نشد؛ اصل را بر طی‌کردن مسیر دشواری گذاشته و و صفات خواننده بودند؛ نه از آنها که تا یکی می‌رود، عزیز و گرامی شمرده می‌شود؛ به سبکی که انگار همیشه جمعی به صفات نیک او مشغول بوده و او به ترتیب و تربیت خود مشغول. شمس از پیگیر و تصویری هماهنگ و موزون در بین اطرافیانش برخوردار بوده، به قدری که انگار نه انگار در این سال‌ها بارها نقش و موقعیت عوض کرده است. چه آنها که شمس استاد را می‌شناختند، چه آنها که شمس نماینده، چه شمس هم‌حزبی، شمس مشارکتی، شمس اتحادی، شمس رزمنده، شمس اصلاح‌طلب، همگی او را با یک چهره توصیف کرده‌اند. نقابی نداشته، کلاه دیگری را برنداشته و رنگ به رنگ نکرده و یک‌دست مانده است. در سوگ‌نامه‌های رفقا، آشنایان، شاگردان و هم‌حزبی‌ها، او بیش از همه به مردم‌داری، شجاعت، اخلاق، اصولگرایی، ایمان، تعهد و روحیه تشکیلاتی و عدالت‌خواهی تصویر شده است؛ تصویری که منسجم است، پراکنده نیست، چپ و راست نمی‌شود، اصیل است

از پی شمس حق و دین دیده گریان ما/ از پی آن آفتاب است اشک چون باران ما

خانواده محترم مرحوم شمس‌الدین وهابی

مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو نمودیم.

روزنامه شرق

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR